گزارش روز

هیات اصلاح اساسنامه «خانه سینما تشکیل می‌شود یا نه؟

شاید وقتی دیگر

● **شرق:** یک‌سال بعد از بسته شدن درهای خانه سینما، سرنوشت این خانه به هیات اصلاح اساسنامه‌ای سپرده شده که هنوز حتی یک جلسه آن برگزار نشده. از یک ماه پیش تا همین روزها، بحث تشکیل این هیات و تشکیل جلساتش، سوژه داغ صحبت‌ها و خبرهای مدیران سینمایی است، اما در واقعیت نه جلسه‌ای تشکیل شده و نه حتی زمانی برای تشکیل آن اعلام شده. تا همین دو هفته پیش و در شرایطی که وزیر ارشاد در برنامه «هفت» اعلام کرد که پیگیر تشکیل این جلسه است و احتمال تشکیل آن در هفته آخر دی وجود دارد، در خبرهای درگوشی شنیده می‌شد که تعدادی از اعضا اصلا در تهران نیستند و باقی هم منتظر زنگ «مسعود جعفری‌جوزانی» هستند که از او هیچ خبری نیست.

جواد شمقدری، رییس سازمان سینمایی هم که در این مدت، هر هفته در خبرها، تشکیل جلسه را به هفته آینده موکول می‌کرد، در تازه‌ترین گفت‌وگویش در سوالی درباره این جلسات، حجم سنگین کارهای برگزاری جشنواره فیلم فجر را علت می‌گوید و بالاخره از واژه «شاید» برای زمان برگزاری این جلسه استفاده می‌کند. رییس سازمان سینمایی معتقد است که برخلاف روند گذشته، در حال حاضر نباید برای برگزاری این جلسه، عجله کرد و سقف زمانی برای آن در نظر گرفت. شمقدری برای این جلسه و دور هم جمع شدن نمایندگان دو طرف، از واژه «تعامل» استفاده می‌کند و می‌گوید: «اگر با روحیه تعامل کنار هم بنشینیم زمان زیادی نمی‌برد، چون تعاریف مشخص است ولی کافی است یک نفر بخواهد که بحث ادامه‌دار شود و می‌تواند سال‌های سال طول بکشد.

اگر آن مفاهیم اصلی در رابطه با فعالیت خانه سینما، نسبتش با صنوف سینمایی و نهایتا نسبتش با سازمان سینمایی براساس قوانین روشن و شفاف کشور، مورد توافق اعضای کمیته هفت نفره باشد، کارها سریع جلو می‌رود. فکر می‌کنم اگر روی کلیات مشکلی وجود نداشته باشد، جزییات یک هفته‌ای حل می‌شود.» به این ترتیب بازهم در صحبت‌های تازه رییس سازمان سینمایی، تکلیف جلسه مشخص نمی‌شود و در کنار آن ابهاماتی مثل تعجب جعفری‌جوزانی از نمایندگی‌اش در جلسه و بی‌خبری اعضا از زمان تشکیل جلسه و بحث مهم عدم تغییر اساسنامه خانه سینما که توسط نمایندگان این خانه مطرح شده، جواب داده نمی‌شود تا داستان درهای بسته خانه سینما، از سال گذشته تا همین روزها ادامه پیدا کند و سرنوشت آن، برخلاف وعده‌های رییس‌جمهوری و پیگیری‌هایی که وزیر ارشاد و رییس سازمان سینمایی از آن صحبت می‌کردند، همچنان نامشخص باشد.

خبر

با حکم شهرداری

خانه موسیقی ۲ تخلیه شد

● **شرق:** شهرداری منطقه ۱۱ ساختمان خانه موسیقی شماره دو در خیابان «صبا» را تخلیه کرد. این اقدام به دلیل عدم تمدید قرارداد خانه موسیقی با شهرداری منطقه ۱۱ برای باقی ماندن این مرکز در اختیار خانه موسیقی اتفاق افتاده است. «حمیدرضا عاطفی» مدیر اجرایی خانه موسیقی در گفت‌وگو با ایسنا، با تایید این مطلب گفت: قرارداد خانه موسیقی با شهرداری تهران تمدید نشده و از آنجا که بخشی از این مکان متعلق به شهرداری منطقه ۱۱ تهران است، این اقدام در حال انجام است. به گفته عاطفی: «خانه موسیقی شماره دو برای وام و بیمه اعضای خانه موسیقی فعالیت می‌کند و طبق رایزنی‌هایی که انجام داده‌ایم، قول مساعدی از سوی ایازی به ما داده شده است اما هنوز هیچ اقدامی مبنی بر عدم تخلیه خانه موسیقی شماره دو انجام نشده است.»خانه موسیقی شماره دو در طبقه دوم ساختمان آفتاب در خیابان صبا قرار دارد که در چند سال گذشته به شهرداری تهران متعلق بوده و یک طبقه آن در اختیار خانه تئاتر است.

سرخط

- گروه موسیقی سیاوش به خوانندگی همایون شجریان آهنگسازی کیخسرو و سهراب پورناظری جمعه شب در سالن ورزشی گیلان به اجرای برنامه پرداختند.
- نمایش برهان به کارگردانی محمد یعقوبی فروش اجرای امروز یکشنبه اول بهمن خود را به هنرمندان بیمار اختصاص داده است. این نمایش با بازی علی سرابی، مهدی پاکدل، آیدا کیخایی و بهنوش طباطبایی در فرهنگسرای نیاوران ساعت ۱۹ به صحنه می‌رود.

گفت‌وگوی «شرق» با مسعود جعفری‌جوزانی:

عده‌ای از اتحاد خانواده سینما می‌ترسند

آرش نصیری

عکس: آیدین رهبر، شرق

مسعود جعفری‌جوزانی کارگردان برجسته سینمای ایران، با فیلم‌های ماندگاری چون «جاده‌های سرد»، «در مسیر تندباد»، «شیرسنگی»، «بلوغ» و... در مقام نویسنده و کارگردان و فیلم‌های مطرح دیگری در مقام تهیه‌کننده، همیشه از افراد صاحب ایده و تاثیرگذار درباره مسایل مختلف حوزه سینما بوده و هست. در مناقشه قبلی اتحادیه تهیه‌کنندگان، جوزانی هم حضور فعال داشت اما اخیرا درباره خانه سینما و در حواشی سینما مسایلی پیش آمده که بسیاری از چهره‌های موجه و صاحب صلاحیت سینما را دلگیر کرده است. با مسعود جعفری‌جوزانی درباره این دلگیری‌ها و نمایندگی رییس‌جمهوری در هیات اصلاحیه خانه سینما که هنوز جلساتش برگزار نشده، به گفت‌وگو نشستیم.

در مباحثات و مناقشات قبلی مربوط به اتحادیه تهیه‌کنندگان و خانه سینما، شما از افراد تاثیرگذار و اصلی بودید، اما الان حضور ندارید. چرا؟

واقعیت تلخ این است که ما هنوز راه و رسم فعالیت صنفی را درست درک نکرده‌ایم. گروهی آن را با نهادهای دولتی اشتباه می‌گیرند و گروهی با احزاب سیاسی. ریشه این هم از یک سو در خاستگاه اعضای خانواده محترم سینمای کشور نهفته است و از سوی دیگر در طرز تلقی مسوولان فرهنگی کشور. دسته‌ای از گروه اول به جای فعالیت در راه رفع مشکلات رفاهی و دفع موانع فیلمسازی، تلاش می‌کنند صنف را با جناح و حزب مورد علاقه خود همسو کنند و دسته‌ای دیگر از آنها صنف را در حد فرمانبر مسوولان فرهنگی تنزل می‌دهند. دسته‌ای هم از گروه دوم با تندروی مانع هرگونه گفت‌وگو با مسوولان فرهنگی شده، موانع بیشتری در راه فعالیت‌های صنفی ایجاد می‌کنند و باعث تیز شدن شاخک‌های سیاسیون می‌شوند؛ تا جایی که امروز می‌بینیم کسانی بی‌آنکه آگاهی درستی از این هنر صنعت پیچیده داشته باشند، بر پیکر آن شلاق می‌زنند.

فکر می‌کنید دلیل این نوع تفکر و رفتار چیست و خاستگاه آن در کجا نهفته است؟

تبعیض، سیاست‌زدگی و دیگر هیچ... اگر سینمای مطلوب را قله دماوند فرض کنیم و اهل سینما را کوهنوردانی که قصد صعود به آن را دارند، مطلب روشن خواهد شد. در چنین شرایطی اگر همه استعدادها و خلاقیت‌های نهفته در استخر ژنتیک کشور، با امکان مساوی عزم تسخیر قله را داشته باشند، بی‌تردید پس از مدتی بهترین‌ها و پس از آنها به ترتیب دیگرانی خواهند رسید و عده‌ای هم به شکلی کاملا طبیعی و عادلانه در میانه راه از قافله کوهنوردان جدا شده، جا می‌مانند. متاسفانه طی این سال‌ها همواره برخی مسوولان فرهنگی به صلاحدید جناح و حزب خود با هلی‌کوپتری که خرجش را ملت داده‌اند، عده‌ای از هم‌فکران خود را به قله برده و می‌برند. این عمل غیرعادلانه خاستگاه واقعی مناقشات در بین خانواده محترم سینماست. اگر به اسامی تهیه‌کنندگان و کارگردانان در این ۳۳ سال توجه کنید و با صرف وقت، فیلم‌های هلی‌کوپترسوارها را از نظر اقتصادی و ارزش هنری بررسی کنید، به علت پیدایش چالش‌های اساسی موجود در بین خانواده سینما پی خواهید برد. در شرایطی طبیعی این هلی‌کوپترسوارها باید در همان آغاز راه، پس از اکران شدن اولین فیلم، ورشکسته شده از سینما بیرون می‌رفتند اما هربار با پول و پشتوانه بیشتری به سینما برگشته‌اند و چون برخی قصد سیاسی دارند، آب زلال چشمه سینما را گل‌آلود می‌کنند و مسوولان رده بالا را از خانواده سینما می‌ترسانند تا بتوانند موقعیت خود را همچنان حفظ کرده. شاید علت اینکه این گروه بیشتر از هر کس دیگر وقت خود را صرف حضور در مرکزیت صنوف کرده و هرگاه احساس آرامشی در صنفی پدید می‌آید، دست به تفنگ می‌شوند، همین باشد؛ چرا که در شرایط متعادل و معقول، احتمال دارد نیروهایی خلاق و برتر جای این دردانه‌ها را تنگ کنند و مسوولان رده بالای فرهنگی پی ببرند که خانواده محترم سینما اگر دلشان بیشتر از آنها برای کشور نتپد، بی‌تردید کمتر هم نمی‌تپد؛ چرا که اهل سینما همچون آنان، ریشه در این فرهنگ و در این خاک دارند. با این تفاوت که نه قصد تصرف میزی را دارند، نه نیاز به کرسی‌ای. آنها هنرمندند و قصدی جز ارتباط مستقیم با ملت بزرگوار و نجیب ایران را در سر نمی‌پرورانند. متاسفانه امروز بخش خصوصی آسیب‌پذیر و کم‌درآمد این خانواده محترم مجبورند با مسوولان دولتی در عرصه تولید، توزیع و نمایش رقابت کنند.

آیا دفعه قبل، مخصوصا هنگام دودسته شدن اتحادیه تهیه‌کنندگان، وقتی وارد بحث‌های فی‌مابین شدید، امیدوار بودید که بشود آن وقایع را سامان داد و اصولا آیا برای برون‌رفت از این مشکل راه‌حلی را متصور هستید؟

بی‌تردید اگر به حل این معضل خانمانسوز امیدوار نبودم، هرگز دامن خود را آلوده این درگیری‌های بی‌منطق نمی‌کردم. در آن زمان هنوز باور داشتم که انسان اهل برهان و منطق است. اما متاسفانه به زودی دریافتم که ندیدن حقیقت برای عده‌ای پرسود است. طبیعتا به چنین گروهی نمی‌شود چیزی فهماند. این گروه مانند قارچ سمی به ریشه و تنه درخت سینما چسبیده و از آن تغذیه می‌کنند. از اتحاد اهالی اعضای خانواده محترم سینما می‌ترسند. پس هر تشکیلاتی هم ایجاد شود این گروه برای توجیه موجودیت خود با جاروجنجال برهمش خواهند زد.

به نظر خیلی رنجیده شده‌اید. دلیل این همه کناره‌گیری و دلخوری چیست. در این روزها اتفاقاتی افتاده که اینقدر ناراحتید؟

نه، آنقدر عمر کرده‌ام که بدانم در جهان گردان، همواره توازنی هست و هیچ اتفاق بیهوده‌ای در آن رخ نمی‌دهد. رنجش از کسی ندارم. نگرانی امثال من به دلیل در خطر قرار گرفتن سینمایی است که سی و چند سال از عمرم را وقف آن کرده‌ام. سینمای اندیشمند و مردمی ایران انقلابی، افق‌های روشن رسم کرده که رنگین‌کمانی در انتهای آن است. در آغاز انقلاب وقتی قفس شکست، نیروهای خلاق و با استعداد کشور بال درآوردند تا از قله قاف بگذرند، به امید آنکه کنار برکه زلال آبی فرود آیند و به تماشای سیمرغ بنشینند. وقتی می‌بینم کسانی گرد این مرغان خوش‌پرواز و مصمم را گرفته‌اند و منقارهای خود را در بدن آنها فرو می‌کنند، هراس می‌کنم، می‌رنجم، خب طبیعی است که این اعمال غیرمعقول باعث نگرانی امثال من، که با اندیشه عدالت‌خواه و علم‌جوی شیعی بزرگ شده می‌شوند. نهادهایی که به نام سینما از بیت‌المال تغذیه می‌کنند در حالی که استعدادهای کشور بیکار نشسته‌اند. فیلم‌های پرهزینه و بی‌محتوایی که مردم را با پرداخت بلیت مجانی و به زور تبلیغات پرهزینه هم نمی‌توان به دیدنشان برد.

با شما موافقم که این روزها هجمه وسیعی علیه سینما شده است، به نظر شما علت آن چیست؟

بخشی از این هجوم، صادقانه، واقعی و از روی دلسوزی و نگرانی است. بخشی نشات گرفته از توهم و بخشی دیگر صرفا برای ابراز وجود و تبلیغات سیاسی، فردی یا جناحی است. طبیعی است کسی که شهامت «دیکته» نوشتن را دارد پیهِ یکی، دو اشتباه را هم به تن مالیده است. اهل سینما بیش از ۳۰ سال است که کوشیده‌اند تا برای بالندگی هر چه بیشتر وطن، دین و فرهنگ این مرز و بوم، قله‌های بلند هنر را فتح کنند. برادرانه از دلسوزان دین و وطن می‌خواهم سنگ نیندازند. تا اتفاق کوچکی می‌افتد، بلندگو برندارند و هوار نزنند. گاهی تاریخ را ورق بزنند... ببینند که این کرسی‌ها و میزها و مقام‌ها به کسی وفا نکرده. به قبرستان بروند و گلی بر مزار ایثارگران این سرزمین مقدس بگذارند، تا دل‌شان بزرگ‌تر و روحشان لطیف‌تر و مهربان‌تر و خداجوتر شود. حرمت اهل هنر را نشکنند، تا حرمت‌شان هر روز بیشتر شود. این امنیت مفت به دست نیامده که مفت از دستش بدهند. ملت صبور و نجیب ایران خدمتگزاران خود را قدر می‌دانند و تاریخ نشان داده که همواره قادر بوده‌اند سره را از ناسره تشخیص دهند. همانطور که اهل سینما به آنها اعتماد کرده، آنها هم به اهل هنر اعتماد کنند. دردانه‌ها هم شلتاق نکنند. حالا که بخت و اقبال‌شان بلند بوده و خدا کمک‌شان کرده که به خانواده اهل هنر پا بگذارند، حداقل به آنها توهین نکنند. ادب و سکوت این خانواده نجیب را نشانه ترس آنها تعبیر نکنند.

اخیرا یکی از روزنامه‌ها اعلام کرد که شما از طرف رییس‌جمهوری به عنوان نماینده بی‌طرف در حل و رفع مشکل خانه سینما معرفی شده‌اید. آیا این خبر صحت دارد؟

من هم مثل شما این خبر را اولین‌بار در روزنامه خواندم و تعجب کردم.

اگر قرار باشد در مقام تصمیم‌گیری در مورد «خانه سینما» قرار بگیرید، چه کار می‌کنید؟

چنانچه در چنین شرایطی قرار بگیرم، بی‌تردید به عنوان یک عضو از خانواده سینما کوشش خواهم کرد، بی‌آنکه وارد مناقشات سیاسی شوم، با رفع ابهامات و موانع قانونی، خانه سینما بازگشایی شود چرا که معتقدم فعالیت‌های صنفی، علی‌الخصوص در حیطه هنر، نباید سیاست‌زدگی پیشه کند و وارد درگیری‌های انتخاباتی پنهان و آشکاری شود که جزو تفکیک‌ناپذیر و طبیعی ساختار جوامعی است که در آنها انتخابات گسترده صورت می‌گیرد. کار صنف فعالیت‌های صنفی است و هرگونه ماجراجویی سیاسی می‌تواند به آن لطمه جبران‌ناپذیری وارد کند. هرچند هنرمند جایگاه ویژه‌ای در کنار مردم دارد که باید آن را حفظ کند. هر حزب و گرایشی خدمتگزار مردم باشد، بی‌تردید هنرمند هم به عنوان یکی از آحاد جامعه در کنار اوست و اگر از مردم فاصله بگیرد، هنرمند هم، همسو با مردم باید آن را به نقد و چالش بکشد.

راجع به فستیوال فجر امسال چه فکر می‌کنید؟

نمی‌دانم... باید فکر کنم.

چند سالی است که کار سینمایی نمی‌کنید؟

من هیچ‌وقت بیکار نبوده‌ام. فیلمنامه «کوروش کبیر» را نوشتم که کار بزرگی بود. در مقام تهیه‌کنندگی پیش‌تولید فیلم سینمایی بمباران حلبچه، به کارگردانی احمدرمضان‌زاده را شروع کردم که با کارشکنی مکرر بعضی نهادها عقب افتاد. حالا هم پیش‌تولید فیلم سینمایی «خط ویژه» به کارگردانی مصطفی کیایی را آغاز کرده‌ام و امید دارم فیلمبرداری این فیلم سینمایی را در آغاز بهار شروع کنم.

کوروش کبیر چه شد؟!

هنوز هیچ!

کمی‌هم درباره «پوریای ولی» بگویید...

پژوهش و نگارش فیلمنامه کامل به پایان رسیده و به زودی پیش‌تولید آن شروع خواهد شد که حتما در جریان قرار خواهید گرفت.

عکس روز

شاهکاری از آنری ماتیس نقاش فرانسوی جنبش «فوویسم» که ۲۵سال پیش از موزه هنرهای مدرن استکهلم به سرقت رفته بود، در بریتانیا پیدا شد. این نقاشی یک اثر رنگ روغن مربوط به سال ۱۹۲۰ میلادی است که ارزش آن یک میلیون دلار برآورد شده است. این نقاشی در تاریخ ۱۱ می ۱۹۸۷ ربوده شده بود.

چهره روز

هفتمین جایزه بین‌المللی برای «پله آخر» مصفا

● **شرق:** علی مصفا که این روزها نتوانست پله آخر را به پرده نقره‌ای سینماهای ایران برساند؛ با این فیلم در حال قرار گرفتن بر قله‌های سینما در کشورهای مختلف است. «پله‌آخر» ساخته علی مصفا، با دریافت تقدیرنامه هیات داوران یازدهمین جشنواره فیلم «پونا» برای فیلمنامه، هفتمین جایزه بین‌المللی خود را گرفت. نکته قابل توجه این است که مهر ماه گذشته نیز، مارتین اسکورسیزی با ارسال نامه‌ای به پخش‌کننده بین‌المللی فیلم، درخواست دریافت یک نسخه دی‌وی‌دی فیلم را به علت تعریف‌های شنیده از دوستان فیلمساز خود کرده بود. این جشنواره از ۲۱ تا ۲۸ دی‌ماه در کشور هند برگزار شد و دو فیلم «پله‌آخر» را در بخش مسابقه و «پذیرایی ساده» را در بخش سینمای جهان خود به نمایش درآورد.

پله آخر با بازی لیلا حاتمی و علی مصفا و علی‌رضا آقاخانی در اولین حضور بین‌المللی خود در بخش مسابقه چهل‌ونهمین جشنواره فیلم کارلووی واری در جمهوری چک در تیر ماه به نمایش درآمد و سه جایزه بهترین بازیگر، بهترین فیلم فیپرشی و بهترین پوستر فیلم را از آن خود ساخت. پس از آن دریافت جایزه در برنامه بازتاب جشنواره کارلووی واری در پراگ، دوازدهمین جشنواره فیلم اوسیان سینه فن دهلی‌نو، هفتمین جشنواره فیلم باتومی گرجستان (و دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد برای علیرضا آقاخانی)، دومین جشنواره فیلم مستقل آرس کاتوویتس لهستان، سی‌وششمین جشنواره سائوپولو و دومین جشنواره فیلم‌های ایرانی استرالیا بخشی از جوایز این فیلم است.

توضیح

● در مطلبی که روز شنبه به نقل از خانم پری زنگنه در رثای استاد خرم منتشر شد، تصنیف «به رهی‌دیدم برگ خزان» از ساخته‌های زنده‌یاد خرم نام برده شده بود در حالی که تصنیف مذکور از ساخته‌های زنده‌یاد پرویز یاحقی است. بدین‌وسیله از خوانندگان پوزش می‌خواهیم.